

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

عرض کنم خدمتان که بنا بود دنباله ی بحث را بگیریم دیشب چون این بحث سلیمان بن داوود پیش آمد و یک مقدار مطالب ایشان خوانده شد چون آقای خوئی نوشتند علی بن ابراهیم گفتیم این را یک کمی تکمیلش بکنیم برویم دنبال بحثمان ، ببینید از علی بن ابراهیم در این تفسیری که به ایشان منسوب است چند تا روایت سلیمان هست آقای خوئی همیشه فقط یک مورد اولی که ایشان نقل کرده را نقل می کند دیگر نقل نمی کند این بهتر بود که کل روایتش در کتاب علی بن ابراهیم مشخص بشود و سنخ روایاتش و مفاد روایاتش و شواهد روایاتش تا بتوانیم یک حکمی بکنیم بیاورید شما عبارت ، از علی بن ابراهیم ، سلیمان بن داوود ببینید چند تا هست و اصولا برای علی بن ابراهیم است یا برای کسی دیگری است .

چون معلوم شد ابراهیم بن هاشم نقل می کند از این قاسانی از این کاسولا از این علی بن محمد از این نقل می کند این که نجاشی گفت لیس بالمتحقق بنا احتمالا مرادش این باشد که ایشان در قم بوده هم تمایلات اهل سنت داشته هم شیعه می گوید نمی شود گفت شیعه بود یعنی مثلا می رفت نزد علمای اهل سنت اجازه می گرفت می آورد نزد شیعه خیلی بین بین بود مثل این آقا که دیشب اسمش را تفسیر فرمودید آورده به من می گفت که برادرانم به من می گویند تو شیعه شدی اصلا یک چیز شاید مراد ایشان این است که یک آقای دیگر هم هست که کتاب نوشته است من با یکی صحبت می کرد گفت می گوید من شیعه هستم اما معلوم نیست خیلی شیعه باشد ، حالا اسم هایشان را دیگر نمی برم .

شاید مراد نجاشی این باشد که این آقا علی بن محمد قمی یا اصفهانی می آمده در قم روایت نقل می کرده تحمل حدیث می کرده نقل حدیث می کرده لکن معلوم نیست شیعه باشد شاید مثل بعضی زیدی ها که اصطلاحا الان به آنها می گویند زیدی های صالحی این ها زیدی هایی بودند که امیرالمؤمنین را اعلم می دانستند افضل می دانستند و تمایلات شیعی هم داشتند اما خلیفتین را هم قبول داشتند می گفتند مردم انتخاب کردند آن هم درست است به قول شوخی معروفی ایرانی گفت شیعه هستی یا سنی گفت منی اینها تقریبا منی لیس بالمتحقق بنا این جوری است و لذا هم رفته از سلیمان بن داوود حدیث نقل کرده برای قمی ها آورده است ایشان می گوید شیعه بودنش روشن نیست اما خوب بوده با اصحاب ما در قم محشور بوده کتاب های اهل سنت را آورده برای آنها نقل کرده است .

یکی از حضار: چرا صالحی به آنها می گویند ؟

آیت الله مددی: صالحی چون حسن بن صالح داریم که از بزرگان زیدیه است و الان هم عنوان دارد خود اهل سنت هم خیلی عنوان برایش قائلند حسن بن صالح ثوری همدانی از بزرگان زیدیه است و حتی این اواخر عمر هم در خفا زندگی می کرد در خفا هم فوت کرده است ، در همان خفا هم ایشان فوت کرده است . حسن بن صالح . ایشان هم روایت از امام صادق دارد و حسن بن محبوب می رود از او نقل می کند خیلی عجیب است حسن بن محبوب معلوم می شود زندگی مخفیانه اش را بلد بوده رفته آنجا از او نقل کرده از روایت امام صادق خیلی شخصیت بزرگی است اینها را در روایات ما بتری یا بتریه گفتند اینها علی بن ابی طالب افضل می دانستند خاندان اهل بیت ارادت داشتند لکن می گفتند بیعت اولی و دومی هم درست است اصطلاحا الان هم در یمن البته کم هستند الان در یمن اینها کم هستند الان در یمن به اینها صالحی می گویند .

جارودی که اتباع ابوالجارود هستند زیاد بن منذر آنها نه به ابوبکر و عمر خوش بین نیستند با آن ها موافق نیستند با علی بن ابی طالب را بر حق می دانند الان بیشتر یمنی ها جارودی هستند همین الان من جمله همین هادوی ها همین هایی که الان هستند اینها بیشتر جارودی هستند از صالحی های معروف یمن همان نیل الاوتاد شوکانی که قاضی صنعا بود به اصطلاح یمنی ها زیدی است اما زیدی صالحی است یعنی انسان از کتابش احساس می کند سنی است اصلا ابتدئا احساس انسان این است که این شخص سنی است سنی نیست اما زیدی صالحی است به اصطلاح آقایان این اصطلاحی است در بین یمنی ها صالحی و جارودی الان بیشتر جارودی هستند بفرمایید بخوانید . یکی از حضار: ۱۸ تا مورد است عبارت ایشان در تفسیر .

آیت الله مددی: چند تا ؟

یکی از حضار: ۱۸ تا

آیت الله مددی: ۱۸ تا زیاد است روایاتش .

یکی از حضار: سندها هم از سوره ی حمد شروع شده حدیثی ابی عن قاسم بن محمد عن سلیمان بن داوود

آیت الله مددی: ها چه هست روایتش ؟

یکی از حضار: روایتش ، راوی بعدی اش هم مثلا اینجا حفص بن غیاث است قال وصف ابا عبد الله عليه السلام الصراط فقال الف سنة صعود والف سنة هبوط والف سنة

آیت الله مددی: و الی آخره بعد دیگر از همه اش همین راه است ؟ سلیمان بن داوود خیلی اعداد روایاتش بالاست من خیال نمی کردم .

یکی از حضار: و اذا سالک عبادی عنی فانی قریب ،

آیت الله مددی: این توسط همین ابراهیم از علی بن محمد

یکی از حضار: کانه حدیثی ابی عن قاسم بن محمد عن سلیمان بن داوود عن حماد قال قلت لابی عبدالله اشعر نفسی بدال اخوانی ولاهل

الولاية فما ترى فی ذلك قال ان الله تبارک و تعالی

آیت الله مددی: الی آخره نه اصلا سندهایش مضامینش

یکی از حضار: باز حدیث بعدی ربنا آتانا فی الدنيا حسنة ولهم فی الآخرة من خلاف انه حدیثی ابی عن سلیمان بن داوود عن سفیان بن

عینة عن ابی عبدالله .

آیت الله مددی: خیلی عجیب است از طرق اهل سنت هم اگر نقل کرده به ابی عبدالله منتهی کرده است از بزرگان اهل سنت سفیان بن

عینه مثل حفص بن غیاث .

یکی از حضار: وان من اهل الكتاب امن النبی فانه روی عن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم اذا رجع آمن بالناس کلهم قال حدیثی

ابی عن القاسم بن محمد عن سلیمان بن داوود المنقری عن ابی حمزة عن شهر بن شوحب قال قال لی الحجاج بان آية فی کتاب الله قد

اعیدنی

آیت الله مددی: الی آخره

یکی از حضار: بعد این جالب است که در همین تفسیر وجوه هم هست با یک مقدمه ای وجوه الصوم حدیثی ابی عن القاسم بن محمد

عن سلیمان بن داوود المنقری عن سفیان بن عینة عن الزهری عن علی بن الحسین علیهم السلام

آیت الله مددی: معلوم می شود این حدیث صوم خیلی جا افتاده به اصطلاح بنده فرهنگ حدیثی قم آن را قبول کرده است یعنی در فرهنگ

حدیثی ، چون حالا بعدها مناقشات سندی دارند آقایان قبول نمی کنند اما به هر حال در فرهنگ حدیثی جا افتاده است .

یکی از حضار: یعنی مضمونش را قبول کردند .

آیت الله مددی: مضمون را من در ذهنم می گویم چون تازگی نگاه نکردم یاد می آید مقابله ی متن که می کردیم یک قسمت متنش محل

اشکال است یا حالا تغایر دارد یا اصحاب قبول نکردند در ذهنم این طور است الان اما چون فاصله ی زمانی خیلی زیاد است و این روزها

هم کار جدید کم می توانم باید بنشینم دو مرتبه متن صدوق و کلینی و اینها را پهلوی هم بگذارم حالا از راه جامع الاحادیث را می شود این

را پیدا کرد چون جامع الاحادیث باز این اختلافات را دارد به نظرم می آید که اختلافی بین متن هست یک نواخت نیست متن یک نواخت

نیست اختلافاتی بوده ، حالا به ذهنم آمد جامع الاحادیث ، جامع الاحادیث یک لحظه نگاه کنید سریع بسیار خوب .

به هر حال چون آقای خوئی نوشته بودند لشهادة شیخ نجاشی و علی بن این کتاب که برای تفسیر که معلوم است تفسیر علی بن ابراهیم اما طریق به این تفسیر روشن نیست و این کتاب موجود که قطعا برای علی بن ابراهیم نیست این که دیگر توضیحاتش را کرارا عرض کردیم اما این احادیثی که تا اینجا ایشان خواندند تماما از تفسیر علی بن ابراهیم است از طریق علی بن ابراهیم است و این شواهد هم دارد یعنی ابراهیم بن هاشم از راه علی بن محمد قاسانی نقل کرده است ، بله روی آن مبنای فهرستی که ما عرض کردیم شواهد ما حالا آن شواهد را دو مرتبه نگاه می کنیم ، شواهد موجود یعنی آن نکته ای که البته ایشان نوشتند لشهادة نجاشی اینکه آیا نجاشی شهادت است یا نه .

عرض کردیم این نکته سر این است که آیا نجاشی نکته ی خاصی داشته گفته ایشان ثقة است یا نجاشی همان راهی که ما عرض کردیم از همان راه وارد شده گفته ثقة است و مخصوصا اگر وثاقتش و توثیقش فهرستی باشد و مخصوصا اگر اضافی بر توثیق فهرستی چون ما ان شاء الله توضیح می دهیم یکی از نکاتی که در توثیق فهرستی هست غیر از حالا خود قبول آن کتاب به آن شخص اگر فرض کنیم آن کتاب به یک طریقی مشهور بوده بین اصحاب ما و آن طریق باز درش هست مثل همین علی بن محمد قاسانی در خود علی بن محمد قاسانی محل تردید بود محل اشکال بود توثیق فهرستی شامل طریق هم می شود .

یعنی اگر بنا باشد روایات سلیمان بن داوود قابل قبول باشد به تعبیر نجاشی ثقة خوب آن که به اصحاب ما رسیده از علی بن محمد است دقت فرمودید ؟ آن که به اصحاب ما رسیده ایشان رفته اصفهان واضح هم هست ایشان از قم رفته اصفهان معلوم می شود که یک حالت بین بین هم داشته هم از سنی ها تحمل کرده هم از شیعه ها تحمل کرده آن که از سنی ها تحمل کرده آورده به قم برای آقایان نقل کرده است .

یکی از حضار : منفتح بوده به قول امروزی ها

آیت الله مددی : بله حالا انفتاحی بوده وحدتی بوده چه اسمش را بگذاریم . غرض اینکه هستند الان جمع می کنند از آن جمع می کند نزد زیدی ها می روند نزد فرض کنید خوارج می روند اباضی ها می روند نزد سنی می روند نزد فرق مختلف می روند و از آن ها اجازات می گیرند این ظاهرا از این قبیل بوده لم یکن بالمتحقق بنا یعنی میراث را به قم آورده لکن دقیقا معلوم نیست که ایشان خودش شیعه باشد .

یکی از حضار : در جامع الاحادیث چیز خاصی نداشت .

آیت الله مددی : بین قوسین چیز ندارد ؟

یکی از حضار : عرض کردم متن مختلف دارد ولی مثلا در همین خط مثلا

آیت الله مددی: من اختلاف به مقدار اینکه مثلاً یک فقره اینجا آمده آنجا نیامده این طوری من دیدم در ذهنم از سابق آن زمانی هم که ما دیدیم جامع الاحادیث شاید نبود من خودم شاید مراجعه کردم یعنی خودم کافی گذاشتم فقیه گذاشتم اینها را خودم با همدیگر مقابله کردم به نظرم می‌آمد یک نواخت نبود اما

یکی از حضار: واما صوم التادیب چند تا فرموده، فرموده وکذلک المسافر اذا اکل اول النهار ثم قدم اهله امر بالامساک بقية یومه تاديباً ولیس بفرض بعد در تهذیب اضافی این دارد وکذلک الحائض اذا طهرت امسکت بقية یومها این را شیخ صدوق ندارد.

آیت الله مددی: عرض کردم یادم می‌آید که یک قسمت‌هایی یکی داشتند یکی نداشتند می‌گویم آن وقت به قول امروزی‌ها دستی بود کامپیوتر نبود همه را با این جامع الاحادیث این قسمت چاپ نشده بود من ندیده بودم خود من از وسائل و تهذیب و استبصار و اینها استخراج کرده بودم به نظرم متن یک نواخت نبود اجمالاً در ذهنم این است چون الان راجع به این بحث خیلی نمی‌خواهیم بحث کنیم خیلی واردش نمی‌شویم.

راجع به محمد بن مسلم بن شهاب زهری این یک ببینید آقای مثل آقای خوئی بالاخره توثیقش می‌کند یا نه؟

یکی از حضار: به عنوان راوی از امام سجاد

آیت الله مددی: زهری معروف است از موالین بنی امیه بوده است. توبه کرد و الی آخره بله آقا، خود این حدیث را الصوم علی اربعین وجها را در همین مستند آقای خوئی در کتاب صومشان آوردند قبول کردند یا نه؟ ببینید نگاه کن یا جواهر مثلاً قبول کرده یا نه؟ یا گفته به عمل اصحاب چون اصحاب عمل کردند؟ آوردند تلقی به قبول. مثل مستند آقای خوئی کتاب الصوم نگاه کنید این حدیث را از زهری عن علی بن الحسین.

یکی از حضار: تا پیدا می‌کند فرموده ۱۸ مورد در تفسیر علی بن ابراهیم از سلیمان نقل شده است، که فرمودید زیاد است این منظور چیست یعنی نمی‌بایست این مقدار باشد؟

آیت الله مددی: بله زیاد است نسبتاً قمی‌ها اعتماد کردند و نسخه هم همین است همه‌اش نسخه‌اش ابراهیم بن هاشم عن علی بن محمد آن وقت آن توثیق فهرستی نه فقط می‌گوید این کتاب قابل قبول است می‌گوید چون این کتاب توسط علی بن محمد نقل شده وقتی به یک کتاب قابل قبول یعنی طریقش را هم قبول کنید چون راهشان همین بوده راه دیگری نداشتند.

یکی از حضار: پس به خاطر این من یک

آیت الله مددی: غرضم معلوم شد توثیق فهرستی یعنی، آها طریق است اگر معلوم شد.

یکی از حضار: در کافی هم یک علی بن ابراهیم عن علی بن محمد بن قاسم عن سلیمان بن داوود هست تازه نقل ها کافی هم اضافه بفرمایید .

آیت الله مددی: کافی هم هست می دانم هست .

یکی از حضار: کافی هم علی بن ابراهیم باز دارد به غیر از تفسیر .

آیت الله مددی: بله می دانم خبر دارم .

یکی از حضار: تایید اعتماد قمی ها می شود .

آیت الله مددی: اینها همه موید این می شود که قمی ها حالا می خواهیم دنبال همین بگردیم یعنی دنبال کلمه ی لشهادة النجاشی یک مقداری این روشن بشود بعد یک نکته غرض این است که مثلا ایشان می آید می گوید که منقری ثقة لکن علی بن محمد توثیق نشده یا تضعیف شده ما بیا بگویم توثیق فهرستی شامل طریق هم می شود وقتی همه را نگاه می کنیم همه به این منتهی شدند و شاهد تاریخی هم همین است این آقا از قم رفته اصفهان میراث های ایشان را تحمل کرده آورده قم واضح است دیگر مطلب واضح است ابراهیم هاشم و دیگران از این گرفتند این یک مطلب واضح و روشنی هم هست فقط انما الکلام حالا یکی دو تا نکته هست که بعد کم کم روشن می کنیم. آن وقت مثل این مثل علی بن محمد هم بر فرض شناسیم این نظیر هم دارد اختصاص به این ندارد ما آمدیم گفتیم اگر توثیق را فهرستی گرفتیم شامل طریق هم می شود یعنی وقتی نجاشی تصریح کرد ثقة مثلا نجاشی راجع به سکونی نگفته ثقة که شامل توثیق نوفلی بشود فرض کن نگفته است اما آنجایی که نجاشی حالا گفتند شیخ طوسی گفته که عمل به روایات سکونی چون ثقة است اولاً گفتیم شیخ چنین عبارتی ندارد بر فرض هم چنین عبارتی باشد این توثیق رجالی است نه توثیق فهرستی البته عمل به روایاتش اگر گفته باشد باید مثلا بگویم شامل نوفلی چون عمده ی روایات سکونی هم توسط نوفلی به ما رسیده است اگر به لحاظ عمل به روایات باشد شامل نوفلی هم می شود اما اگر خود عبارت نیست چنین عبارتی کون ان ثقة نقل ندارد .

علی ای توضیحاتش را عرض کردیم در محل خودش بفرمایید .

یکی از حضار: داشتم این کافی را می شمردم در دو جلد اول حدود ۵۰ تا است خیلی در کافی زیاد است در دو جلد اول .

یکی از حضار: علی بن ابراهیم از سلیمان .

یکی از حضار: از علی بن محمد قاسانی یا از قاسم محمد از سلیمان .

آیت الله مددی: این دو نفر، مهمش همان علی بن محمد قاسانی است که از سلیمان نقل کرده واضح است کاملاً تاریخ واضح است که ابهامی ندارد که ایشان و مقداری از روایات ایشان را که آورده طبق قاعده‌ای که علمای ما داشتند آنهایی است که بیشتر منتهی شده به اهل بیت حالا می‌خواستند بگویند که چون شیخ یک عبارتی حالا این را ان شاء الله بعد توضیحاتش را می‌دهم یک عبارتی دارد درباره‌ی سکونی که اگر روایتی داشت و معارض نداشت از طریق اهل بیت و اصحاب هم ضدش فتوا نداده بودند قبول کنیم این را راجع به اهل سنت دارد ایشان نمی‌گویند ثقات ولی. آن ثقات فی النقل راجع به فطحیه و واقفیه و اینها گفته است.

راجع به اهل سنت می‌گویند که اگر اینها روایاتی داشتند از اصحاب ما خلافتش نرسیده بود و قولی هم به خلاف نداشت مثلاً فتوای اصحاب هم به خلاف این روایت نبود این را قبول می‌کنیم چون امام صادق فرمود اذا ورد علیکم مثلاً مسألة که لا تجدون حکمها فی ما روی عنا فانظروا الی ما روه عن علی، این عن علی آنجا را عمل بکنید اینها دیدند که این روایات شاذکونی غالباً به اهل بیت منتهی می‌شود ما احتمال دادیم یک سری که قمی‌ها به روایات سکونی عمل کردند این بود سرش در حقیقت این بود شیخ که این طور تصریح می‌کند نه اینکه این بود شیخ تصریح می‌کند که نکته‌ی عملشان این است نه اینکه ثقات فی النقل که مرحوم محقق، آن اشتباه بود و ایشان این مطلب را نقل می‌کند.

آن وقت اینها آمدند همین کار را با روایت سلیمان بن داوود کردند دیدند روایتی را نقل کرده که مخالفش از اهل بیت نرسیده قول مخالف هم از اصحاب ندارد لذا قبول کردند و عرض کردیم این روایت که اذا ورد علیکم مسألة لا تجدون حکمها این فقط در همین کتاب المحیط فی الامامة از کتاب نوادر الحکمة نقل کرده است الان هم فقط در مصادر ما به صورت مرسل در کتاب شیخ طوسی در عده آمده است، هیچ جای دیگر این حدیث نیامده است و متحیر هم بودیم که شیخ چطور نقل کرده است بعد معلوم شد در نوادر الحکمة بوده اصحاب اعراض کردند از آن، شیخ برداشته نقل کرده است ذیلش هم کامل نیاورده است، ذیلش فکر می‌کنم قیاس دارد در عمل به قیاس و اینهاست. همین اذا ورد علیکم حدیث، ذیل همین هم نیاورده است ناقص آورده مرحوم شیخ طوسی ذیلش را نیاورده است.

علی ای حال توضیحاتی این مباحث چون در محلش گفته شد حالا ان شاء الله خداوند توفیق بدهد بعد در خلال مباحث به مناسبت بحث‌های فهرستی همین مطالب را ان شاء الله ببله ببینید راجع به محمد بن مسلم بن شهاب است زهری

یکی از حضار: عرض شود که در مورد زهری که فرموده بودید آقای خوئی در معجم فرمودند اقول این را در مدخل محمد بن شهاب فرمودند منتهی خودشان فرمودند که درستش مسلم بن شهاب است به مشهور بودن ظاهراً مدخل اصلی را این قرار دادند. مسلم را هم ارجاع دادند

آیت الله مددی: نه به خاطر آن نبوده است آقای خوئی مدخل هایش را یا حسب آن که در روایتی وارد شده یا در کتب رجال یا فهارس.

یکی از حضار: آخر در روایت هم ایشان می گوید محمد بن مسلم هم هست اما ظاهرا

آیت الله مددی: بله محمد بن مسلم هم آورده ایشان نه فقط

یکی از حضار: آورده اما ارجاع داده به

آیت الله مددی: ها ترجمه را یک جامی آورد و الا عناوینی که در این سمت البته ایشان می آورد مثلا می گوید کافی فلان اما به این توضیح بنده نمی گوید مثلا بگوید آقا با این عنوان فقط در محور روایات آمده با این عنوان فقط در کتب رجال آمده یا در روایات و رجال آمده ، عناوین را می آورد می گوید مثلا رجال شیخ مثلا اصحاب فلان واضح است مثلا کتاب رجال به این عنوان لکن ترجمه را در یک جامی آورد دقت کردید؟ آن وقت ارجاع می دهد به آنجا درستش هم همین است ایشان در این جهتش فعلا در کتب رجالی که تا حالا ما دیدیم تا زمان ایشان مقدم است حالا اخیرا باز فهرست یا چیزهای دیگری نوشتند برنامه های کامپیوتری بحث دیگری است.

اینکه ایشان دقیقا هر عنوانی را که در کتب روایات اربعه آمده و در کتب رجال آمده و در کتب فهارس عینا آن مدخل را می آورد گاهی هم ارجاع می دهد گاهی هم نه ساکت می شود مثلا شاید ظاهرش این باشد که ما نتوانستیم بفهمیم این با عنوان دیگر موافق هست یا نه بفرمایید. یکی از حضار: ایشان چند تا متن آوردند که در آخر متن ابن شهر آشوب است که زهری را از حضرت سجاد می آورد و حالا علی بن الحسین کان یعد من اصحابه ولذلک قال بعض بنی مروان یا زهری ما فعل نبيک یعنی علی بن الحسین ایشان متن ها را که آوردند فقط اقول الزهری و ان کان من علماء العامة الا انه يظهر من هذه الرواية وغيرها انه كان يحب علی بن الحسین ويعظمه بعد روایات دیگری را آورده که مثلا ایشان نقل کرده در وقت نقل روایت گفته حدثني زين العابدين فقال له سفياني وعيينة ولم تقول له زين العابدين اين چند تا از این متن ها را آورده یا مثلا

آیت الله مددی: مثلا این حدیثی است از پیغمبر که قال فليقم زين العابدين فيقوم علی بن فيخط الخطوط این از روایات عامه هم دارند از رسول الله است اصلا که زين العابدين را به ایشان لقب دادند.

یکی از حضار: اصلا ایشان نقل می کند می گوید همین توضیح را می دهد انی سمعت سعید بن مصیب يحدث عن ابن عباس ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال اذا كان يوم القيامة ينادى منادى اين زين العابدين

آیت الله مددی: عرض کردم از ایشان

یکی از حضار: انظر الى ولدى على بن الحسين بن على بن ابى طالب يخطوا بين الصفوف

آیت الله مددی: یخطوا، قدم می زند خطی یعنی قدم زدن، بین صفوف ایشان بین صف جمعیت را کنار می زند می آید جلو

یکی از حضار: یا مثلاً از ایشان قیل لزهري من ازهد الناس فی الدنيا قال علی بن الحسین خلاصه این نقل ها را نقل می کند باز هم چندین نقل از ایشان آورده است. بعد ایشان می فرمایند که ولزهري عدة روايات مذكورة فی الکافی والفقیه والتهدیب و بما ذکرنا یظهر ان نسبة العداوة الیه علی ما ذکره الشیخ رحمه الله لم تثبت بل الظاهر عدم صحتها، بعد هم می گوید که ابن داود ایشان را در لقبش اشتباه کرده است.

آیت الله مددی: خوب ابن داود در قسم اول در قسم دوم نگفته است.

یکی از حضار: در قسم اول آورده و در لقب اشتباه کرده و تا این حد. بعد همین دیگر توضیح دیگری در مورد خود زهري نمی دهند.

آیت الله مددی: نتیجه گیری نمی توانم بکنم. از نجاشی چه نقل کردند؟

یکی از حضار: ببخشید در جواهر هم در مورد حدیث زهري در بحث صوم بعد کسی که اشتباه در نیت کرده در باب من نوى غیر رمضان فی شهر رمضان مرحوم صاحب جواهر فرموده که نعم لو كان الفرض انه نوى صوم شهر رمضان وانه قضاء عما فی ذمته مثلاً امکن فی تغییر ذلک بعد الا انه انما نوى من امر القضاء مثلاً وعدم الفرق بین الجاهل وغیره مسلم من حیث القاعدة ولكن خرجنا عنه فيه للاجماع ولنصوص يوم الشک خصوصاً خبر الزهري منها الطیب المشتمل علی اقسام الصوم.

آیت الله مددی: آها خبر الزهري.

یکی از حضار: برایش یک عنایت ویژه هم قائل بودند.

آیت الله مددی: چیز نبود.

یکی از حضار: بعد در بحث يوم الشک فرمودند که ولا یسکنوا من شهر رمضان لانه قد نوى ان ینفرد الانسان بالصیام فی يوم الشک وانما ینوى من اللیل انه یصم من شعبان و ان کان من شهر رمضان ای زعم بفاز الله عز وجل وبما وسع علی عباده ولو لا ذلک لهلک الناس، این حاشیه ای این روایت بود برای سماعة وفی خبر الزهري سمعت علی بن الحسین یقول يوم الشک امرنا بصیامه ونهینا عنه امرنا ان یصوم الانسان علی انه من شعبان ونهینا ان نصوم علی انه من شهر رمضان ولم یری الهلال.

آیت الله مددی: خوب از نجاشی هم چیزی در نیامد، محمد بن مسلم نجاشی اگر داشته باشد محمد بن مسلم است. از نجاشی، نه عمده اش می خواهیم ببینیم که آیا کتاب داشته یا نه.

یکی از حضار: جاهای دیگر هم همین طور هست که ایشان در بحث های دیگر هم

آیت الله مددی: زیاد دیگر خوب وقتی

یکی از حضار: امساک و اینها هم همینطور، امساک برای مفطر در قبل از وقت مغرب

آیت الله مددی: آقای خوئی هم بعید است قبولش کرده باشند آقای خوئی هم ندارند نیست. ها از محمد بن مسلم ببینید چون ما در بحث های فهرستی آن قسمتی که برای ما مهم است تاریخ تدوین و تالیف چه وقت بوده، چه وقت به کتابت رسیده است.

یکی از حضار: شیخ خیلی در ترجمه ی ایشان در رجال خیلی خلاصه فرمودند عدو

آیت الله مددی: چه کسی؟

یکی از حضار: شیخ طوسی در رجال در مورد زهری عدو، همین سه حرف پرونده اش را پیچیده اند.

آیت الله مددی: آخر معروف بود یکی ایشان موالی بنی امیه بوده و با اهل بیت دشمن بوده است.

یکی از حضار: این که کتاب دارد در فضائل اهل بیت.

آیت الله مددی: نه کتاب ندارد.

یکی از حضار: یک جزوه ای یا رساله ای در مدحش نوشته بودند باید ببینم چاپ شده یا نه

آیت الله مددی: چه کسی آقا؟

یکی از حضار: شیخ جعفر مهاجر یک چیزی برای زهری نوشته بود باید ببینم چاپ شده یا نه؟

آیت الله مددی: بله.

یکی از حضار: حدود ۲۰ سال پیش یک کتاب از مکه خریدم برای زهری بود.

آیت الله مددی: زهری کتاب ندارد. نه به کسی ندادم نه

یکی از حضار: اصحاب باب المیم اصحاب ابی محمد علی بن الحسین علیهما السلام آوردند بعد در اصحاب ابی عبدالله هم دارد

محمد بن مسلم، آنجا محمد بن شهاب زهری است اینجا محمد بن مسلم الزهری است المدنی تابعی وهو محمد بن مسلم بن عبید الله

بن عبد الله بن حارث بن شهاب بن زهرة بن کلاب ولد سنة اثنتین وخمسين ومات سنة اربع وعشرين ومائة وله اثنتان وسبعون سنة وقيل

سبعون. این ترجمه ی دومش که بدون هیچ چیزی است.

آیت الله مددی: از مصادر است.

یکی از حضار: شیخ هم که ظاهرا ندارد.

آیت الله مددی: حالا دقت بفرمایید

یکی از حضار: لذا شیخ، علامه هم فرموده من اصحاب علی بن الحسین علیهما السلام عدوهمان اکتفا کرده به

آیت الله مددی: کلام شیخ، البته احتیاج به این حرف‌ها نبود زهری در خود کتاب بخاری هم دارند عن علی بن الحسین من نمی دانم اینها چون ندیدند دنبالش، اصلاً زهری عن علی بن الحسین در خود بخاری هست شاید به هر حال دو تا یا سه تا حدیثش را در بخاری دیدم در خود بخاری هم هست احتیاج به این راه‌های دور ندارد و این را به نظر من قبل از شیخ یکی دارد شاید مثلاً همین الضعفاء کامل بن عدی داشته باشد که نوشته به اینکه کان من موالی اهل البیت، موالی بنی امیه و یک جایی یک روایتی است شاید در کشی آمده به نظرم یک روایتی است در کشی است که ازش تعبیر است که این دشمن ماست به نظرم.

یکی از حضار: مرحوم آقای تستری در مدخل ۶۸۳۴ فرمودند که بعضی‌ها گفتند این احتمالاً با آن متحد باشد یعنی ببخشید در عبارت چیز است مامقانی، می گوید عده شیخ و احتملت بعضهم اتحادهم مع محمد بن مسلم الزهری الاتی، آقای تستری فرمودند اقول بل هو مقطوع،

آیت الله مددی: بله بلا اشکال.

یکی از حضار: وشهاب هم جد جدش است آن که هیچ. بعد ثم لو کان شیخ قال فیه عامی کان صحیحاً اما قوله عدو فلیس بحسن وکیف والاخبار محبته بالسجاده علیه السلام متواترة. بعد روایات را آورده

آیت الله مددی: حالا من دیدم یک جایی که کان من موالی بنی امیه

یکی از حضار: دیگر آن قصه‌ای که در روز شهادت سید الشهداء سنگ هم برداشته می شد الا وجد تحته دم عیبید هم برای ایشان است.

آیت الله مددی: نه برای ایشان نیست چون برای بیت المقدس است آن دارد فی بیت المقدس.

یکی از حضار: فی بیت المقدس بله

آیت الله مددی: عجب همان است فکر می کردم زهری نباشد.

یکی از حضار: می گوید ابن عبدالبر در ابن الفرید از ایشان نقل کرده است.

آیت الله مددی: ابن عبد البر

یکی از حضار: ولعله استند الی ما رواه العامة

آیت الله مددی: اها من دیدم در کلمات عامه که کان من موالی بنی امیه اصلاً

یکی از حضار: اینجا یک خبر آورده که با امام حالا من عبارت قاموس را بخوانم بعد خواستید منبرش را

آیت الله مددی: بخوانید حالا منبرش باشد بعد، عبارت قاموس

یکی از حضار: عبارتش نسخه دارد، قال فقد نقله ابن ابی الحديد عن محمد بن شيبه قال شهدت مسجد المدينة فاذا الزهري وعروة بن

زبير جالسان يذكران عليا عليه السلام

آیت الله مددی: ویلانان منه

یکی از حضار: فنالا منه

آیت الله مددی: این را من همین

یکی از حضار: نالا یعنی بدگویی کردند.

آیت الله مددی: من همین را دیده بودم گفتم دیدم این برای ابن ابی الحديد، چون ابن ابی الحديد یک فصلی دارد در کسانی که کان ینالون

من علی، عروة بن زبير که مسلم است جزو مخالفین است. این را من گفتم دیدم اما گفتم یک جایی دیدم و یادم آمد اصلا یک بابی است

حالا یک بابی است ایشان دارد کسانی که با علی بن ابی طالب بد بودند آنجا عروة بن زبير معلوم شد دائما دارم فکر می کنم خدایا من این

را کجا دیدم دیده بودم که این شیخ احتمالا این را دیده چون عروة که معروف است. بله آقا؟

یکی از حضار: این در غارات است این نقل غارات را بخوانم؟

آیت الله مددی: باشد حالا بخوان بعد.

یکی از حضار: فقط این را می خواستم که شیخ در مشیخه ی فقیه هم زهري مدخل دارد و همین طریق هم هست که خواندیم. همین قاسم

بن محمد اصفهانی.

آیت الله مددی: نه واضح است قضایا کیست اصلا ما چون بحث فهرستی می کنیم تاریخ زنده می شود کانه انسان می فهمد کاملا واضح

است ایشان رفته اصفهان کتاب ها را برداشته آورده قم واضح است نوشته احادیث ایشان را آورده قم این خیلی واضح است بفرمایید.

یکی از حضار: فنالا منه فبلغ ذلک علی بن الحسین علیه السلام فجاء حتی وقف علیهما الی ان قال واما انت یا زهري فلو کنت بمكة

اریتک کرامتک بعد ایشان می گویند الا انه خبر

یکی از حضار: یعنی چه این تکه کلام؟

آیت الله مددی: نمی دانم، یعنی شاید در مکه یک چیزی خراب کاری کرده کاری کرده تعبیر کرامت یک نوع استهزاء باشد.

یکی از حضار: در غارات که چیز چاپ شده می گوید کن اییک

آیت الله مددی: ها کن اییک، خانه ی پدرت را به تو نشان می دهم که آنجا چه بوده شاید خدای نکرده مثلا از یک خاندان مثلا از همین اهل رایات و این چیزها بوده است.

یکی از حضار: اصل و نسبت را به تو نشان می دهم.

آیت الله مددی: اها اصل و نسبت را به تو نشان می دهم.

یکی از حضار: نسخه ی دیگر بیت اییک هم دارد.

آیت الله مددی: بله همین است.

یکی از حضار: بعد آقای تستری می فرمایند که الا انه خبر

آیت الله مددی: چون خود بنی زهره از طایفه ی قریش است خود بنی زهره که ایشان از آنهاست از قریشی هاست اصلا یکی از بطون قریش زهره است دیگر بفرمایید.

یکی از حضار: اصلا غارات هم در مورد همین آورده این را یعنی جزو آن بحث های مربوط به امیرالمؤمنین و قریشی ها منهم منهم

آیت الله مددی: خود عروۀ بن زبیر که قرشی بوده فامیل هم بوده زبیر که پسر عمه ی حضرت بوده است. آن هم از بنی زهره است.

یکی از حضار: بعدش هم عروۀ است، کان عروۀ اذا ذکر علیا نال منه این غارات است که الان می خوانم قبل از همین مدخل.

آیت الله مددی: بله، علی ای حال شیخ احتمالا نظرش به این گفتم یک جایی هست این که ایشان می گوید آقای خوئی می گوید نه

یکی از حضار: تستری می گویند که الا انه خبر موضوع او محرف ولعل الاصل کان فاذا الشعبی وعروۀ فبدل الشعبی بالزهری لتقابلهما

آیت الله مددی: شعبی کوفه بود اصلا،

یکی از حضار: شعبی قریش هم نبوده در غارات بیشتر قریشی ها را می آورد.

آیت الله مددی: بله. این که خیلی اصلا شعبی برای چیز است این اطراف گلستان کجاست، گلستان ایران، نه ترکمن صحرا، نه گرگان نه

آن طرف تر، ایشان ایرانی الاصل است شعبی اسماعیل بن مهران و لذا هم خیلی خوش صورت و زیبا و اینها بوده شعبی معروف است

بفرمایید بابا، اصلا به آنجا نمی خورد

یکی از حضار: آن وقت یک چیزی هم یک گریز هم به کربلا می زند و می گوید عروۀ کان کخالته عائشة

آیت الله مددی: خوب بله آن هم حتما یک

یکی از حضار: عائشه ربطی نداشت این وسط بعد یک چیز دیگر هم می آورند که و هذا فی العرق ان البلدی بن عبدالملک قال له حدثنا اهل الشام ان الله اذا استنعى عبدا رعيته كتب له الحسنات ولم يكتب عليه السيئات فقال الزهري حديث باطل انبی خلیفه اکرم علی الله ام خلیفه غیر نبی قال بل خلیفه نبی قال فان الله تعالى يقول نبیه داوود علیه السلام یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض الاية فاذا وعید لنبیہ خلیفه فما ظنک بخلیفه غیر نبی

آیت الله مددی: این را شاید مربوط به ابوبکر و عمر باشد.

علی ای حال این که زهري با اهل بیت بوده اجمالا درست است حالا گاهی ممکن است آنجا به خاطر عروه برداشته یک چیزی گفته روایاتش عن علی بن الحسین زیاد است اما اینکه نسبت به علی بن ابی طالب به خاطر جنگ هایش قبول، خوب خود اهل سنت نسبت دادند که امام حسن حتی به امیرالمؤمنین اعتراض کرد که این جنگ من از اول به تو گفتم این جنگ ها را انجام نده از مدینه خارج نشو این جنگ ها را انجام نده از امام حسن نقل می کنند.

یکی از حضار: خود عبارت ابن ابی الحدید هم این جمله را اضافه دارد که وکان الزهري من المنحرفین عنه علیه السلام وروی فلان و جریر بن عبد الحمید عن محمد بن شیب وقال شهدت مسجد المدينة قبلش خودش هم این را گفته است.

آیت الله مددی: می گویم ایشان یک فصلی دارد به عنوان کسانی که منحرف بودند

یکی از حضار: ذکر منحرفین عن علی

آیت الله مددی: اصلا یک فصلی است که منحرفین عن علی

یکی از حضار: در ابن ابی الحدید یا غارات؟

یکی از حضار: نه ابن ابی الحدید این جلد ۴ صفحه ۱۰۲

آیت الله مددی: به هر حال آقا راجع به این مطلب که معلوم می شود حالا بحثی که ما داریم، یک دفعه ی دیگر سلیمان بن داوود را در نجاشی بخوانید تا من یک چیزی نکته ی دیگری بود بگویم.

یکی از حضار: زهري پس کتاب ندارد

آیت الله مددی: زهري ندارد نه، یعنی مثل اهل سنت از حفظ می گفته اگر هم داشته می خواندند تا حفظ بکنند بعد بیایند تحدیث بکنند در مقام تحدیث از روی کتاب نمی خواندند از کتاب را نمی دادند به خلاف ما که کتاب می دادند آنجا کتاب نبوده است.

یکی از حضار: فرمودید سلیمان بن داوود از نجاشی

آیت الله مددی : بله

یکی از حضار : لیس بالمتحقق بنا غیر انه روی عن جماعة اصحابنا من اصحاب جعفر بن محمد علیه السلام وكان ثقة

آیت الله مددی : قطعاً سنی است لیس بالمتحقق بنا چیست ؟

یکی از حضار : نکته اش این است که روی عن جماعة اصحابنا من اصحاب

آیت الله مددی : راجع به علی بن محمد این را گفته بود یا راجع به سلیمان ؟

یکی از حضار : سلیمان عرض کردم .

آیت الله مددی : من خیال کردم راجع به علی بن محمد من اشتباه کردم .

یکی از حضار : سلیمان بن داوود منقری لیس بالمتحقق بنا غیر انه روی عن جماعة اصحابنا من اصحاب جعفر بن محمد این هم مشکل

داشته که عمده‌ی روایاتش از غیر جماعت بوده

آیت الله مددی : نه یعنی آنها از جعفر بن محمد مثل حفص بن غیاث عن جعفر بن محمد .

یکی از حضار : نه عن جماعة اصحابنا .

آیت الله مددی : بعضی از اصحاب شاید مرادش همین حماد است خیال کرده حماد بن عیسی است مثلاً که شاید احتمالاً حماد بن زید

یا حماد بن ابی زید از علمای اهل سنت باشد از ما نباشد نه اینکه واضح است که از علمای اهل سنت است لیس بالمتحقق بنا ندارد بله

بفرمایید ، شیخ در فهرست . آن وقت بفرمایید بقیه‌ی کلام نجاشی را بگویید .

یکی از حضار : فقط ببخشید من آمارش را عرض کنم در سه تا کتاب کافی ، تهذیب و فقیه بدون استبصار ۴۲ درصد نقل هایش از حفص

بن غیاث است می شود ۷۶ تا نقل ، ۲۶ تا نقل که می شود حدود ۱۵ درصد از سلیمان بن عیینه است بعد ۱۱ تا نقل که می شود ۶ درصد

از علی بن ابی حمزه است

آیت الله مددی : که این شیعه است بله ، من فکر می کنم اصحاب ما روی نکته اش این بوده که بالاخره از سفیان برمی گرداند به حضرت

سجاد یا از حفص برمی گرداند به امام صادق آقایانی که در قم بودند از این جهت قبول کردند قمی ها این سرش بوده است حالا بخوانید

بقیه‌ی عبارت نجاشی را .

یکی از حضار : ظاهراً خود حماد خودمان است چون می گوید حماد بن عیسی

آیت الله مددی : پس این حماد خودمان است ، بله بفرمایید .

یکی از حضار: الان چه را بخوانم فرمودید؟

آیت الله مددی: بقیه‌ی عبارت نجاشی

یکی از حضار: تمام شد می‌گوید له کتاب

آیت الله مددی: همان بقیه‌اش را می‌خواستم با سند

یکی از حضار: خبرناه عدة من اصحابنا عن محمد بن وهبان بن محمد

آیت الله مددی: محمد بن وهبان بن محمد الدبیدی به اصطلاح

یکی از حضار: قال حدثنا ابوالقاسم علی بن محمد بن کثیر بن حمویه العسکری السوری

آیت الله مددی: حمویه

یکی از حضار: حمویه العسکری السوری قال حدثنا ابا عبد الرحمن محمد بن احمد الزعفرانی عن القاسم بن محمد عنه به .

آیت الله مددی: این که خیلی طریق عجیبی است اهل سنت است این ، معلوم شد که قاسم بن محمد برای اهل سنت هم نقل کرده فقط برای شیعیان قم نقل نکرده است .

یکی از حضار: حالا شیخ را دوباره بخوانم .

آیت الله مددی: بله برای شیخ ، تعجب است که ایشان مرحوم نجاشی این طریق عجیب و غریب را آورده است خیلی عجیب است .

یکی از حضار: له کتاب ، شیخ فرموده خبرناه به ابن ابی جید عن محمد بن حسن بن الولید عن محمد بن الحسن الصفار عن علی بن محمد القاشانی عن القاسم بن محمد عن سلیمان

آیت الله مددی: خیلی طریق عالی است ، غیر از آن علی بن محمد قاسانی بقیه‌اش خیلی خوب است مشایخ است .

یکی از حضار: خبرناه جماعة عن محمد بن علی بن الحسین عن ابيه ومحمد بن الحسن عن سعد بن عبدالله والحمیری ومحمد بن یحیی و احمد بن ادريس عن احمد بن محمد عن القاسم

آیت الله مددی: این احمد بن محمد اشعری است این یکی اینجا این ها همه طراز اول قم هستند همه‌شان خیلی عجیب است .

یکی از حضار: باز هم قاسم بن محمد عن سلیمان

آیت الله مددی: واضح است این یعنی کاملاً یعنی فکر می‌کنم کاملاً و چرا نجاشی از این راه نرفته خیلی عجیب و غریب است

یکی از حضار: طریق شیخ واضح است .

آیت الله مددی: خیلی واضح است نه فقط واضح است معلوم شد که اصلا قمی ها از این کتاب استقبال کردند طراز اول قم لکن از روایاتی که منتهی به اهل بیت می شود نه مطلقا یک روایت بود برای حجاج بن یوسف این روایتی که خواند شاید یک چندتا روایت دیگر و الا روایاتش به یک طریقی یا از سنی ها یا از شیعه ها منتهی به اهل بیت می شود آن وقت این خیلی بزرگان قم هستند . احتمال دارد که مرحوم نجاشی وقتی صحبت سلیمان بن قاسم می کند نظرش به این بوده یعنی نظرش به این بوده که مشایخ طراز اول قم اینهایی که فرهنگ حدیثی قم را تشکیل می دهند از ایشان نقل کردند پس ثقة اگر این باشد شهادت نجاشی را دلیلش را ما هم می فهمیم این که آقای خوئی می گوید لشهادة الشيخ آن علی بن ابراهیم هیچ لشهادة النجاشی، شهادت نجاشی ما هم آن را درک می کنیم این طور نیست که شهادت تعبدي باشد ما هم الان واقعا تعجب می کنیم دیگر جای بحث ندارد که .

یعنی بعبارة اخرى اگر الان در میان مثلا صاحب جواهر و دیگران و فقهای فعلی شیعه بعد از علامه بحث سلیمان بن داوود شاذکونی مطرح شده و محل اشکال قرار گرفته قمی ها این را قبول کردند اولاً ایشان محدث بسیار بزرگی بوده حافظ بوده نوشتند و یک نکته ای اساسی دیگر که احتمال داده می شود که بعد از خواندن عبارات اهل سنت به ذهن آمد و آن مساله ای که يتعاطى المسكر که خیلی بعید است اولاً ثانياً مراد اهل سنت از مسكر در آن عبارت نبیذ است شراب نیست . به فتوای ابو حنیفه که نبیذ جایز بود به فتوای نبیذ یعنی شراب خرمایی نگفت يتعاطى الخمر گفت يتعاطى المسكر ، يتجامل هم همین شعرهایی که بعضی وقت ها آخوندهای ما هم می خوانند عاشقانه و ... ظاهراً مراد آن باشد بر فرض که ثابت بشود ثبوتش هم ثابت نیست فعلاً .

آن وقت یک نکته ای که یکی از اهل سنت گفت ، گفت بابا ایشان آن چه که نوشته خوب نوشته احادیث خوب نوشته وقتی آمده از حفظ تحدیث کرده خراب کرده خرابی برای حفظش است دقت کردید کتاب هایش قابل قبول است من عرض کردم اهل سنت هم بحث های فهرستی دارند این خودش بحث فهرستی است فی الواقع آیا علی بن محمد از کتاب هایش گرفته یا از تحدیثش گرفته ؟ روشن شد چه می خواهم بگویم ؟

یعنی ما حرف اهل سنت را هم قبول کردیم معلوم می شود ایشان آنچه که نوشته در نوشته اش بحث نداشتند نمی دانم دقت می کنید ؟ چون الان من چرا گفتم زهری چون زهری که ننوشته آن سفیان هم همینطور انما الکلام برای حضرت سجاد هم که معلوم است آیا این سلیمان بن داوود نوشته که این قاسانی رفته علی بن محمد کاسولا رفته از او علی بن محمد کاسولا از او گرفته یا خود این کاسولا نوشته که قمی ها از این گرفتند ؟ یا اصلاً ایشان هم ننوشته حفظ کرده آمده در قم حفظی تحدیث کرده قمی ها نوشتند .

لذا ما عرض کردیم یکی از مشکلاتی که ما داریم در احادیث عده‌ای از احادیث هستند که ما از نظر تاریخی نمی‌توانیم خیلی واضح صحبت کنیم شاید نظر نجاشی به این بوده این توثیقی که نجاشی کرده توثیق فهرستی یعنی نجاشی این را احساس کرده که آنچه این علی محمد کاسولا، علی محمد قمی برداشته از اصفهان آورده به قم این در قم در مشایخ طراز اول قبول افتاده این قبولش در مشایخ طراز اول بعدها که توثیقات عامه آمد جزو توثیقات عامه شد قبول مشایخ و اینها حالا توثیقات عامه هم نگیریم اما این معلوم می‌شود یک درجه‌ای از اعتبار دارد.

یعنی معلوم می‌شود بین آقایان قمی‌ها این محل عنایت بوده و الا نمی‌شود سعد بن عبدالله و ابن الولید و احمد اشعری و علی این‌ها همه بزرگان قم هستند طراز اول قم هستند. اینها به واسطه نقل کردن آیا واقعا اینها اصلا دیدند که این آقای قمی کاسولا رفته از کتاب‌های سلیمان نقل کرده، علامه سلیمان را آورده سلیمان بن داوود را؟ ببینید علامه آورده یا نه.

اینها رفتند از کتاب‌های، ها علامه حتما به خاطر توثیق نجاشی آورده ولو چیز تضعیف کرده بود راستی ابن غضائری، گفتیم علامه به خاطر تعارض جرح و تعدیل به اصطلاح قبول نکرده باشد.

یکی از حضار: می‌گوید علامه منسوب الی منقر

آیت الله مددی: برای زهری گفته است.

یکی از حضار: بله می‌گوید قال النجاشی لیس ملتحق بنا غیر انه یروی عن جماعة فقال ابن الغضائری انه ضعیف جدا لا یلتفت الیه یوضع کثیرا علی المهمات. همین روایت را آورده است.

آیت الله مددی: دوم، در این جا یک نکته‌ی دیگری هم هست کلمه‌ی ثقة را مثل اینکه نقل نکردید یا آورده یا شما نقل نکردید؟ قال النجاشی لیس بالمتحقق بنا

یکی از حضار: ثقة چرا عبارت را کامل آورده است.

آیت الله مددی: من خیال کردم ثقة را نقل نکرده است وکان ثقة الان که خواندید این ثقة‌اش را نقل نکردید اگر ثقة را علامه نقل نکرده در نسخه‌ی علامه گاهی اوقات نیست توثیق اشکال سر نسخه‌ی علامه هم هست.

یکی از حضار: علامه نوشته از نجاشی

آیت الله مددی: چون این هم یک مطلبی هم هست که به اصطلاح نسخ خود نجاشی این طوری است این رجال شیخ انصاری چاپ کردند چند جلد که من هم شبیه دارم یک شبی اینجا آمد برایش توضیح دادم ملتفت نبود.

یکی از حضار: جمع آوری حرف‌های دیگران است خود شیخ ظاهراً نبوده

آیت الله مددی: جمع آوری اش هم خیلی ناقص است مع ذلک فکر نمی‌کنم برای شیخ باشد به ایشان گفتم گفت نه ما نسخه‌ی شیخ داشتیم

یکی از حضار: می‌گویند به خط شیخ هست ولی خود شیخ

آیت الله مددی: فکر نمی‌کنم چون آثار رجال در نوشته‌های شیخ نیست اصلاً بله در کتاب مکاسب آثار رجال نیست نه

یکی از حضار: یک موقع بحث رجالی ندارد هم جمع کرده

آیت الله مددی: باشد، ببینید من به او گفتم ایشان هم توجه نکرده است نوشته مثلاً فلان غیر واحد النجاشی ثقة گفتم این مرادش از غیر واحد می‌خواهد بگوید نسخ نجاشی همه یک نواخت دارند چون بعضی وقت‌ها این را توجه لذا گفتم این بعید است برای شیخ باشد این آدمی است که روی رجال کار کرده می‌داند این مشکل را چون گاهی اوقات ثقة در کتاب نجاشی در بعضی نسخ هست در بعضی‌ها نیست این توجه را بکنید شما هم توجه کنید این در این عبارت غیر واحد عن النجاشی ثقة این غیر واحد نکته‌اش این است که خود ایشان توجه نداشت گفتم آقا این نکته دارد.

چون بعضی از نسخ نجاشی یک وقت، شما که این کتاب را تحقیق کردید قاعده‌اش این است کتاب‌های رجالی که قبل از شیخ بوده باید بیاورید که عبارت نجاشی را آوردند ثقة هم گفتند. اگر نه این معلوم است عبارت ایشان را هر کسی آورده گفته است، نه رجال‌های بعد از شیخ مثل معجم آقای خوئی و تنقیح و اینها نه باید رجال‌های قبل از شیخ را بیاورید ایشان می‌گوید، خیلی تعبیر لطیف است تصادفاً من جای دیگر ندیده بودم و لذا گفتم این برای یک آدم رجالی است بعید است شیخ ظاهرش نمی‌خورد رجالی بود دقت کردید چه می‌خواهم بگویم؟ غیر واحد عن النجاشی ثقة یعنی

یکی از حضار: حد اقل سه تا کتاب رجالی باید گفته باشد ثقة

آیت الله مددی: حتماً یا بیشتر دیگر یعنی آنچه که کتب رجالی از نجاشی نقل کردند گفتند ثقة یعنی نسخ نجاشی متفق علیها است.

یکی از حضار: ممکن است غیر واحد از نسخه‌های نجاشی ثقة

آیت الله مددی: نه غیر واحد، یعنی افراد، علمای رجالین که از نجاشی نقل کردند نقل کردند ثقة غیر واحد چون گاهی اوقات حتی بین علامه و ابن داوود اختلاف می‌شود از این غیر واحد یعنی علامه اصلاً مثلاً اینجا چون امشب اینجا خواند ثقة را نخواند گفتم بخواند خواند

یعنی مثلاً ایشان باید اسم علامه را ببرد ابن داوود، کسانی که توثیق کردند کسانی که از نجاشی نقل کردند و توثیق کردند غیر واحد عن جش یا عن النجاشی ثقة دو تا نقطه جلویش ثقة .

یعنی این در جمیع نسخ یعنی در آنچه که ما از نسخ نجاشی دیدیم این توثیق آمده است نه اینکه در بعضی ها باشد در بعضی ها نباشد این خودش یک نکته ی لطیفی است شما هم شاید تا حالا ندیده بودید این یک تعبیر لطیفی است در کتب رجالی من تا حالا ندیده بودم . بعد به ایشان گفتم ، گفتم این قاعده اش این است که در حاشیه اش می نوشتید مثلاً فلان فلان فلان ، این اگر می خواستید حاشیه بزنید این بود .

یکی از حضار : چند تا مورد غیر واحد بود ؟

آیت الله مددی : اکثرشان تقریباً

یکی از حضار : یعنی اکثر نوشته ها

آیت الله مددی : اکثرش اینطور است . می خواهید بیاورید اینجاست رجال یعنی اکثر مواردش

یکی از حضار : این خیلی مطلب مهمی است .

آیت الله مددی : بله می گویم توجه نکردند . هست علیرضا روی این میز طرف نوشته رجال الشیخ الانصاری

یکی از حضار : عتبه ی عباسیه چاپ کرده برایش .

آیت الله مددی : این را دقت کردید ؟ آن وقت بعد که تمام می شود عنه فلان ایشان در حاشیه اش نوشته ای روی عنه ، گفتم نه اشتباه می کنید این مراد روی نیست این مطلب فهرستی است یعنی نجاشی در فهرستش از توسط این کتابش را نقل کرده است این عنه فهرستی است نه رجالی ، این را اصلاً خوب می دانید خوب چون توجه و من لذا عرض کردم کتاب یک ظرافت هایی دارد این ها ظرافت های کتاب است هر کتابی را طرف تا نگاه بکند با یک کلمه دو کلمه ظرافت های خاصی را پیدا می کند ، سه چهار جلد است نوشته رجال الشیخ الانصاری ، سه جلد است بله . غرضم دقت فرمودید ؟

پس بنابراین الان ما دقیقاً نمی دانیم آیا واقعا این علی بن محمد ملتفت این نکته بوده رفته از کتاب سلیمان نقل کرده سنی ها کتابش را قبول داشتند ، تحدیثش را قبول نداشتند . آن وقت اگر از کتابش باشد در زمان سلیمان محمد از شفاهی به کتبی آمده است اصلاً ارزش اساسی فهرست برای همین است . یعنی یکی از نکاتی که ما در فهرست داریم من چند بار عرض کردم فهرست مکمل رجال است در حقیقت مکمل رجال به لحاظ اعتبار و اینها و الا فهرست ریشه ی رجال است رجال شاخه است .

آوردید؟ همین جا روی میز دست راست نه هست موجود است یا برو آن جایی که صندلی من است یا آخر میز یا اول میز این جواد برداشته کتاب را جابجا کرده این کتاب ها را برداشتند این طرف و آن طرف گذاشتند جلوی من بود همین جلوی من بود خیلی جلد قشنگی دارد خیلی چاپ قشنگی دارد خیلی زحمت کشیدند فکر نمی کنم برای شیخ باشد. اگر هم خط شیخ بوده شاید رجال یک کسی را استنساخ کرده اگر باشد اگر خط شیخ را قبول بکنیم آن را هم هنوز قبول ندارم من فکر نمی کنم.

آن وقت عنه فلان ایشان در حاشیه اش نوشته ای روی عنه، روی رجالی است گفتم این مرادش عنه فهرستی است یعنی در فهرست شیخ کتابش را فلانی نقل کرده است. عنه یعنی در فهرست نجاشی کتابش را فلانی نقل کرده است و خوب بود شما کامل سند را چون حذف کرده در آخر در حاشیه می آوردید چون دیگر الان بحث های رجالی و فهرستی کاملاً با هم مخلوط است.

اصولاً به نظر ما بحث های فهرستی مثل ریشه است بحث های رجالی مثل شاخه است مثل اینکه شما یک درخت خیلی قشنگ و بزرگی را می بینید به اصطلاح دانه های قشنگ زرد آلو یا سیب دارد

همان اول آخرین میز دست راست رجال الشیخ الانصاری نوشته است.

اما یک کسی می گوید آقا این زرد آلویش را خوردیم خیلی خوشمزه و شیرین، یک کسی می آید ریشه یابی می کند این ریشه اش چه بوده آبی که دادند چه بوده زمینش چه بوده نوع درختش چه بوده چند ساله چهار ساله اینها را می آید اصلاً فهرست در اساس با رجال یک نتیجه می دهد روی این جهت اینها خیلی از دوستان به من می گویند به بعضی ها گفتیم گفتند ما نفهمیدیم رجالی و فهرستی، چون این نتیجه ای آن کار را روشن می کند که این میوه سرش این است آن درخت سرش این است آن میوه اش مثلاً یک کمی کوچک است آن میوه اش یک کمی بزرگ است آن دانه اش تلخ است آن دانه اش شیرین است تمام این خصوصیات را فهرست در حقیقت مثل اینکه الان وقتی که می خواهند تاریخ یک کسی را بنویسند محیط اجتماعی، حالات اجتماعی، حکامی که بودند، سیاست وضعی سیاسی و اینها این حوادث اطراف.

فهرست این جهات اطرافی است که مربوط به فرهنگ است نه مربوط به حوادث یعنی مربوط به همین علم است مربوط به همین میوه است همین میوه را می خواهد به شما بدهد بخورید شما که می گوید شیرین خوشمزه است این ریشه های آن کار را در می آورد ما در فهرست در حقیقت این طور نیست که بگوییم مثلاً این آقا کتاب داشته، کتاب هم نداشته باشد می گوییم یعنی در فهرست هم بودن کتاب هم نبودن کتاب.

مثلاً الان تا اینجا که شواهد نشان می دهد اگر اولین کسی این حدیث را نوشته برای اربعین صوم را اربعین وجه برای صوم را این جناب آقای

یکی از حضار: جلد یکش پیدا شد، جلدهای بعدی اش را هم می خواهید یا؟

آیت الله مددی: فرق نمی کند یکی بله بقیه اش همان است.

یکی از حضار: یک نمونه اش کافی است.

آیت الله مددی: ببینید آقا مثلاً بخوانید ابو عبدالله

یکی از حضار: بله جلد ۱ رجال شیخ، جلد ۱

آیت الله مددی: نگاه کنید مثلاً ایشان حالا همینطوری هر جایش را می خواهید نگاه کنید.

یکی از حضار: بله صفحه ۲۷۴

آیت الله مددی: حالا خیلی لطیف است از خلاصه نقل می کند می گوید شیخ ثقة چی آقا بخوانید

یکی از حضار: کدامش را بخوانیم فرق نمی کند؟

آیت الله مددی: همین که وسط بود سح خلاصه یعنی

یکی از حضار: بله عرض شود حسین بن علی بن سفیان بن خالد بن سفیان ابو عبدالله البزوفری شیخ ثقة جلیل من اصحابنا سح

آیت الله مددی: سح یعنی خلاصه ی علامه

یکی از حضار: وکذا غیر واحد انجش

آیت الله مددی: انجش

یکی از حضار: بالزیادة عنه تلعبیری

آیت الله مددی: یعنی در عده ای از نسخ هم از نجاشی آمده غیر واحد دقت کردید؟ تا حالا متعارف نبوده همه جا می گفتند قال جش این

طوری متعارف است این خیلی عجیب است ها این نکته ی لطیفی دارد ببینید بعدش هم نگاه کنید.

یکی از حضار: بعدش هم الحسین بن علی بن یقطین روی عن ابی الحسن الرضا علیه السلام ثقة سح وکذا غیر واحد عن جش

آیت الله مددی: غیر واحد عن جش.

یکی از حضار: این جش

آیت الله مددی: جنح رجال شیخ است دیگر. دقت کردید این غیر واحد نکته‌ی غیر واحد یعنی نسخ متفق چون شاید این صاحب کتاب نبوده نجاشی ندارد. دقت کردید؟ این که در رجال شیخ می‌آید در فهرست نمی‌آید چون کتاب نداشته رجالی، مولف نبوده باز بعدی همین طور نگاه کنید

یکی از حضار: بالزیادة عن تلعبری عنه دوباره نوشته روی عنه

آیت الله مددی: نه به زیاده عنه تلعبری این عنه فهرستی است یعنی نجاشی آورده این را، ایشان خیال کرده راوی است. خیلی ظریف است عبارت خوب شما چون تحقیق کتاب زیاد کردید تا حالا با این جور که غیر واحد عن جش، حالا بعدش بعدش همین طوری نگاه کنید غیر واحد عن جش ثقة، غیر واحد عن جنح رجال شیخ، بالایی اش

یکی از حضار: حسین بن علی بن الحسین بن موسی بن بویه القمی یروی عن جماعة وعن ابيه وعن اخيه محمد بن علی برادر شیخ صدوق ثقة سح وکذا غیر واحد عن جش ولم جنح

آیت الله مددی: ولم یعنی من لم یروی، جنح رجال شیخ وکذا غیر واحد عن جش دقت کردید؟ یعنی نسخ متفق است بر این طرف حالا همین طور نگاه کنید عبارت را

یکی از حضار: باید بزند غیر واحد نسخه‌ها را بزند یعنی

آیت الله مددی: یعنی رجالی‌ها که نقل کردند

یکی از حضار: نه به شخص نزده است

آیت الله مددی: ایشان نسخه‌های خطی ندیده اصلاً نمی‌گویند غیر واحد، علماً غیر واحد از رجالیین، غیر واحد از رجالیین توثیقش کردند به اعتماد جش نگاه کنید خیلی دارد این تعبیر، هر صفحه‌ای هست نه اصلاً متعارفش است و این خیلی لطیف است یکی از حضار: خیلی زحمت کشیده است.

آیت الله مددی: می‌گویم چون شما تحقیق کتاب کردید آشنا هستید با تحقیق تا حالا چنین چیزی ندیده بودید این اولین بار است که چنین چیزی

یکی از حضار: حالا یکی بخوانید

یکی از حضار: کدامش را همه مثل هم است دیگر، حسین بن علی بن حسین بن محمد بن یوسف الوزير المغربي

آیت الله مددی: این خیلی بزرگوار است شیخ این را ندارد

یکی از حضار: من ولد براث بهرام جور، بهرام گور و امه فاطمة بنت ابی عبد الله

آیت الله مددی: خلاص نوشته؟ پلاس همان که معروف، بلاس نوشته، پلاس فارسی است.

یکی از حضار: بلاس نوشته پلاس فارسی است. بله بنت ابی عبد الله محمد بن جعفر ابن شیخ سح و کذا غیر واحد سح که خلاصه‌ی

علامه، و کذا غیر واحد عن جش

آیت الله مددی: یعنی فقط علامه از جش نقل نمی‌کند دیگران هم از جش همین را نقل می‌کنند.

یکی از حضار: بزیادة صاحب کتاب الغیبة

یکی از حضار: یعنی چه بزیادة

یکی از حضار: یعنی آن که نقل می‌کنند از نجاشی این اضافه بر علامه را دارد.

آیت الله مددی: کتاب الغیبة جد مادری این است.

یکی از حضار: بزیادة صاحب کتاب الغیبة

آیت الله مددی: نه جد مادری اش می‌شود. این حالا ملتفت نشده است یعنی شاید علامه ننوشته و هو ابن بنت صاحب الکتاب الغیبة

یکی از حضار: این از قلم افتاده است

آیت الله مددی: دقت کردید؟ یعنی مرحوم محمد بن ابراهیم ابو زینب ابن ابی زینب، صاحب کتاب الغیبة این پدر مادر این وزیر مغربی

است این معروف به وزیر مغربی است خیلی مرد ملایی هم هست همین مصابیح است که می‌خواهند چاپ بکنند تا حالا از این آقای

یونسی می‌گفت من تا حالا در ایران تا حالا نشنیدم نسخه از این کتاب باشد در شمال آفریقا و تونس و اینها چند نسخه پیدا کردند

یکی از حضار: سه نسخه پیدا کردند وزیر مغربی همین آقای کریمی نیا مشغول تصحیح است.

یکی از حضار: چاپ شد توسن چاپ کردند.

آیت الله مددی: عجب

یکی از حضار: بله تونس یا سعودی، سعودی یک پایان نامه بود چاپ کرد که می‌گفت ناقص است و ایشان دارد از نو تصحیح می‌کند

آیت الله مددی: غرض اینکه

یکی از حضار: کذا و کذا غیر واحد عن جش بزیادة صاحب کتاب الغیبة که این اشتباه است می‌فرمایند

آیت الله مددی: ابن بنت صاحب کتاب الغیبة

یکی از حضار: دو تا قول بعد از آن قوله شیخنا در آن اضافه له کتب هم دارد.

آیت الله مددی: آن وقت ایشان توجه کرده که مرحوم نجاشی باید این طور باشد بعد قوله شیخنا صاحب کتاب الغیبة. یکی از جاهای مشکل نجاشی این است دقت کردید چه می خواهم بگویم این نکته دارد این باید در حاشیه اش شرح می داد چون نجاشی می گوید ابن بنت نعمانی صاحب کتاب الغیبة شیخنا النعمانی بعضی ها خیال کردند این آقای وزیر مغربی شیخ نجاشی است در صورتی که صاحب کتاب از آن طرف هم صاحب کتاب الغیبة را ایشان ندیده اصلا دوازده سال بعد از او به دنیا آمد نجاشی آن ۳۶۰ وفاتش است نجاشی ۳۷۲ این شیخنا یعنی شیخ الطائفة به احترام ملتفت شدید نه استاد ما شما از این مطلب در بیاورید این قدر به هم ریخته است معلوم شد البته یک شب دیگر هم ایشان محقق کتاب محبت کردند زنگ زد گفت من امشب باز می خواهم پیام مطالب دیگر ببینم شما مثلا تذکر بدهید گفتم امشب حال نداریم باشد یک شب دیگر.

دقت کردید چه شد این کلمه ی زیاده شیخنا این را نجاشی آورده شاید ایشان هم تصور کرده برای حسین بن علی المغربی است.

یکی از حضار: بله ولی شیخنا یعنی شیخ الطائف

آیت الله مددی: یعنی شیخ الطائفة چون اصلا نجاشی درکش نکرده است، دوازده سال بعد از وفاتش به دنیا آمده است خود وزیر مغربی ۱۰ سال بعد ۳۷۰ به دنیا آمده است نجاشی ۳۷۲ به دنیا آمده است، می خواهید باز هم بخوانید. خیلی لطایف دارد این فکر نمی کنم کار شیخ باشد فکر نمی کنم این غیر واحدش خیلی لطیف است عن جخ، لم. جخ و لم که متعارفشان است جخ رجال شیخ لم هم لم یروی. نمی دانم برای کیست من به نظرم اگر خط شیخ هم باشد استنساخ کرده است چون این برای یک کسی است که خیلی پخته است یک کمی هم اینجا عبارات را مشوه کرده است، زیاده صاحب کتاب الغیبة، زیاده شیخنا صاحب کتاب، ابن بنت، اینطوری باید باشد زیاده ابن بنت شیخنا صاحب کتاب الغیبة

یکی از حضار: که گفت بعد از شیخنا

آیت الله مددی: ها شیخنا صاحب کتاب الغیبة است ایشان خیال کرده شیخنا راجع به علی بن الحسین گفته است شاید آقای خوئی هم ابتدا این طوری تصور کرده است عده ای از رجالی ها این جور با اینکه ایشان اصلا استادش نیست نجاشی، آن اصلا وزیر بوده لذا مرحوم شیخ هم شرح حالش را هم ندارد، اصلا شیخ طوسی مثل ماطلبه بوده شرح حال وزرا و رؤسا را نداشته است بله دقت نکرده بودم تا حالا خیلی لطایف دارد این مثلا باز بخوانید مثلا عنه.

یکی از حضار: حسن بن عطیه حناط ثقة سح و کذا غیر واحد عن جش . یا حسن بن محمد بن سماعة واقفی المذهب الا انه جيد التسانید

نقی الفقه حسن الانتقال کثیر الحدیث فقیه ثقة وکان یعاند فی الوقف

آیت الله مددی: این عبارت نجاشی است .

یکی از حضار: این خلاصه‌ی علامه که از نجاشی نقل می‌کند و کذا غیر واحد عن جش انه غیر واقفی

آیت الله مددی: عنه ندارد باز؟

یکی از حضار: نه کثیر الحدیث فقیه ثقة این هم از نجاشی است دیگر . وقیل انه لیس ابن سماعة بن مهران

آیت الله مددی: بله آن دیگر . این هم آقا کتاب رجال شیخ انصاری رحمه الله .

یکی از حضار: آقای خوئی در روایت

آیت الله مددی: اربعین؟

یکی از حضار: بله اربعین دو جا درش اشاره کردند به او استناد کردند استنادهایشان می‌تواند در حد شاهد باشد ، فرمودند ویدل علی روایة

سلیمان روایة الزهری وان کان ضعیفا یک تضعیف را هم فهمیدند حضرت آقای شبیری هم تضعیف کردند بعضی دیگر از روایات ایشان را

در کتاب نکاح منتها در روایت سنی‌های زیادی هستند ایشان اولین کسی که اشکال گرفتند همین سلیمان بن داوود است که فرمودند از

عامه است و تضعیف شده است بعد در اصولشان که در بحث هست عبدالله بن بزاف است می‌گوید در مورد این سلیمان بن داوود اختلاف

شده بعد ایشان می‌گویند که والصحیح این است که ما او را توثیق کنیم .

آیت الله مددی: به خاطر نجاشی حتما مثل اینکه آقای خوئی می‌خواستند

یکی از حضار: بله فرمودند اینجا تعارض شده بین کلام نجاشی و چیز یعنی بحث را در آن بحث فهمیدند.

آیت الله مددی: مثل آقای خوئی گفتند لا ینبغی الاشکال فی وثاقتہ می‌خواستیم امشب وارد بحث خودمان بشویم نشد دیگر حالا فواید

متفرقه‌ی دیگری پیش آمد .

علی ای حال اگر انصافا این قمی کاسولا اگر از کتاب خود سلیمان نقل کرده انصافا به لحاظ فهرستی حتی نزد اهل سنت می‌شود قبولش

کرد قابل قبول هست اما اگر تحدیثش باشد اشکال دارد و لذا ما هم الان دقیقا نمی‌دانیم چه وقت تبدیل به کتابت شده آیا این کاسولا که

رفت اصفهان نوشت ، نوشته را آورد به قم یا قمی‌ها از ایشان نوشتند ایشان تحدیث کرد این را هم ما هنوز نمی‌دانیم .

این علی بن محمد قمی را یک بار دیگر بیاورید نجاشی کتاب را به خودش نسبت می دهد ؟ اگر کتاب به خودش نسبت می دهد ایشان نوشته آورده به قم نوشتار را ایشان آورده است . به هر حال انصافا ،

یکی از حضار : چه کسی ؟

آیت الله مددی : محمد بن علی القمی يعرف بکاسولا ، اما انصافا انصافش را عرض کنیم معلوم می شود در قم شواهد قوی داشتند که بزرگان و نقادان حدیث این را قبول کردند حالا چه نکته ای بوده سرش چه بوده ایشان اختیار کرده اینها شواهدی بر این حدیث از شیعه داشتند دیدند طبق قواعد است طبق مثلا قابل قبول است این روایاتی که الان ایشان دارد به ائمه منتهی می شود مگر یکی دو تا مگر معدودی باشد به ائمه منتهی نشود .

علی ای حال ایشان احتمالا قمی ها چون این عبارت نزد قمی ها بوده در کتاب نوادر الحکمة که اگر از ما مطلبی را نقل کرد از ما حدیث نبود رجوع به اهل سنت بکنید ببینید ما روه عن علی ،

یکی از حضار : قاسم بن محمد را می فرمایید ؟

آیت الله مددی : ها ببخشید .

یکی از حضار : قاسم بن محمد آقای شبیری قصد مفصلی فرمودند که به نظر ما قاسم بن محمد جوهری به غیر از قاسم بن محمد اصفهانی قمی است .

آیت الله مددی : قطعاً همین طور است همان قاسم بن محمد من علی بن محمد را اشتباه کردم قاسم بن محمد ملقب به القمی ، نجاشی چه می گوید ؟

یکی از حضار : الان نجاشی را می آورم . القاسم بن محمد القمی يعرف بکاسولا لم یکن بالمرضی له کتاب نوادر

آیت الله مددی : این بالمرضی من خیال می کردم بالمتحقق بله .

یکی از حضار : متحقق برای سلیمان است .

آیت الله مددی : بله مثل هم هستند دو تایشان

یکی از حضار : مرضی یعنی چه ؟

آیت الله مددی : یعنی آدم صاف و ساده ای نبود بتوانیم قبول بکنیم قابل اعتماد باشد در این حد نبود بفرمایید .

یکی از حضار : له کتاب نوادر اخبرنا ابن نوح

آیت الله مددی: بله اگر نوادر نوشته احتمالا همین است ایشان نوشته آن وقت به صورت متفرقات بوده هنوز به صورت کتاب در نیآورده است نوشته‌ها را به قمی‌ها داده است انتقالش به نوشتن چون کتاب نوادر بدون الف و لام است، یعنی احادیث متفرقه بوده جاهای متفرقه رفته شنیده من جمله اصفهان احادیث همین سلیمان را شنیده است آورده و بزرگان قم انصافا اجمالا حق با نجاشی است عرض کردم بعدها که توثیقات عامه آمد عده‌ای این را جزو توثیقات قرار دادند اصلا خود این را توثیق قرار دادند این که بزرگان بیایند از او نقل بکنند این خودش جزو توثیقات است.

علی‌ای حال اجمالا این نسخه‌ای که از یعنی این روایاتی را که ایشان از اصفهان آورده در فرهنگ شیعی قم انصافا جا افتاده است بعد از زمان علامه که بحث‌های رجالی شد تضعیف شده است، تضعیف‌ها از قرن هشتم به بعد است.

حالا می‌مانیم ما در قرن پانزدهم قبول کنیم یا نه یا یکی یکی محاسباتش را بکنیم بررسی بکنیم ببینیم قابل قبول هست یا قابل قبول نیست این هم راجع به این حدیث که آن شب صحبت کردیم و مجبور شدیم امشب تمامش کنیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین